

بیانیه مشترک شش سازمان در پشتیبانی از خیزش مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی

از اعتراضات مردم به گرانی، بیکاری، اختناق و
فساد در حکومت

و علیه جمهوری اسلامی پشتیبانی کنیم!

یک هفته است که شهرهای مختلف ایران، شاهد تجمع اعتراضی مردم است. تظاهراتی که در هشت دیماه در شهر مشهد با شعارهایی علیه گرانی، بیکاری، محرومیت، آغاز شد، به سرعت و در فاصله چند روز، به بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک سراسر کشور گسترش یافت و به تدریج رادیکالتر شده و با شعارهایی همچون «آقا خدایی می‌کنه، ملت گدایی می‌کنه»، «اسلام رو پله کردید، مردم رو ذله کردید»، «اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا»، «مرگ بر روحانی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «جمهوری اسلامی، نمی‌خواهیم! نمی‌خواهیم!» مستقیماً، ولی فقیه، رئیس‌جمهور، مسئولین حکومتی و سرانجام خود نظام را نشانه رفته است.

اعتراضات مردم بیانگر بحران اقتصادی عمیق، فساد لجام گسیخته در دستگاه حکومت، بی‌کفایتی، دزدی دولتیان و سرکوب و دیکتاتوری است. این تظاهرات ریشه در سی و هشت سال حکومت نالایق و فاسد جمهوری اسلامی دارد. در این سی و هشت سال دولتهای بسیاری با عناوینی همچون، «خدمتگزار»، «سازندگی»، «اصلاح طلبی»، «امام زمانی» آمدند و رفتند و جز چپاول ثروت‌های ملی، خالی کردن جیب مردم و گسترش بیکاری، فقر و بدبختی و تداوم سرکوب چیزی برای مردم باقی نگذاشتند. در پی آنها دولت «تدبیر و امید» آمده است تا آنچه را که باقی مانده، بروبد و جارو کند. بی‌دلیل نیست که اکنون اعتراضات کارگران به وضعیت معیشت خود و خانواده‌شان مالباختگان به موسسات مالی، بازنشستگان، جنبش دانشجویی و دیگر قشرهای جامعه گسترش یافته و طی ماه‌های اخیر روزی نبوده است که در رسانه‌ها اخباری از تجمعات و اعتراضات مردم دیده نشود.

در حالی که تظاهرات و اعتراضات مردم در شهرهای ایران ادامه داشته و گسترش بیشتری هم یافته است، رژیم جمهوری اسلامی از یک سو تلاش

می‌کند تا با وعده رسیدگی به مشکلات اقتصادی، مردم را به خانه‌ها برگرداند و از سوی دیگر می‌خواهد با بستن سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های ارتباطی مجازی و محدود کردن وسائل ارتباط جمعی، ارتباط مردم در سطح شهر و شهرهای مختلف را قطع کند. بر اساس اخبار رسمی خود مقامات انتظامی، تا کنون نزدیک به پانصد تن در تهران، اراک و دیگر شهرها دستگیر شده و بیش از بیست تن به قتل رسیده‌اند.

حسن روحانی که با عوام فریبی اعلام کرده بود، انتقاد و اعتراض در همه امور حق مردم است، پس از گذشت چهار روز از ادامه اعتراضات مردم، نه تنها دستور مسدود کردن کانال‌های اینترنتی مجازی چون «تلگرام» و «اینستاگرام» را داد، بلکه تهدید هم کرد که با معترضین شدیداً برخورد خواهد کرد. در کنار وی اصلاح طلبان نیز پس از چند روز سکوت، ضمن کلی گویی درباره مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و با گفتن این که مردم حق دارند اعتراض کنند، اعتراضات مردم در خیابان‌ها را به تحریک قدرت‌های خارجی نسبت داده و خواهان سرکوب تظاهر کنندگان شدند.

ابعاد بحران اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در حدی است که حکومتیان بیش از این نمی‌توانند آن را انکار کنند، ولی با بیان این که «باید به محتوای این اعتراضات مردم توجه شود»، تلاش می‌کنند که تجمع و حرکت‌های اعتراضی را به هدایت از خارج و دخالت سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل و غیره نسبت داده و ضمن ارباب مردم، زمینه پرونده سازی برای دستگیرشدگان و سرکوبگری‌های بیشتر را آماده کنند.

حکومت در روزهای اول با این امید که این تظاهرات خود جوش سریعا خاموش خواهد شد، برخورد ملایمی داشت، ولی با تداوم تظاهرات و گسترش آن به بسیاری از شهرها، به وحشت افتاده و ماشین سرکوب خود را راهی خیابان‌ها کرده تا آتش خشم مردم را مهار و آن‌ها را از خیابان به خانه بفرستد.

اعتراضات مردم خودجوش و از بستر نارضایتی عمیقی سرچشمه می‌گیرد که زمینه‌های آن در طول بیش از سه دهه حکومت اسلامی بتدریج، لایه به لایه، افزوده شده و تلنبار گشته است. انبوه خشم و نفرت مردم تنها نیاز به یک جرقه داشت تا در خیابان‌ها سرازیر شود و شعله کشد. جنبشی که از یک هفته پیش آغاز شده است متوقف نخواهد شد، حتی اگر رژیم بتواند در این مقطع با توسل به سرنیزه، سرکوب و زندان آن را خاموش نماید، بازهم بزودی سر بر خواهد آورد.

روند گسترش تدریجی تظاهرات و ترکیب شعارهای مردم به روشنی نشان از حداقل هماهنگی و سازماندهی مردم در شهرهای مختلف دارد و بویژه فقدان یک آلترناتیو مورد اعتماد مردم در این میان بارز است. پراکندگی شعارها، ضمن نشان از تنوع ترکیب شرکت کنندگان، عملاً مطالبات اصلی و نیازهای واقعی مردم در مقطع کنونی را در میان انبوه شعارهای مختلف پنهان می‌کند که مناسب سطح تظاهرات مردم نیست.

در تلاش برای تداوم و تعمیق مبارزات حق‌طلبانه توده‌ها در جهت ایجاد رابطه و پیوند بیشتر میان جنبش‌های اجتماعی، و برحسب موقعیت و شرائط حاکم، ضروری است که شعارها و خواسته‌های پراکنده حول چند شعار مشترک و اصلی چون، استقلال، آزادی، نان، کار، دموکراسی، جدایی دولت و دین و عدالت اجتماعی و در اعتراض به فساد، تبه‌کاری، دزدی و نهایتاً تغییر رژیم متمرکز شود. بر این مبنا و در همان چارچوب می‌توان مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخصی را طرح و برای تحقق آن‌ها و عقب‌راندن رژیم، مبارزات را ادامه و گسترش داد.

این وظیفه همه سازمان‌ها و نیروهای سیاسی ملی، چپ، دموکرات و آزادی‌خواه است که در این شرائط حساس و بحرانی جامعه ایران، فعالیت‌های خود را در حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم و رساندن صدای آن‌ها به گوش جهانیان، هماهنگ کرده و تلاش‌های خود در جهت پیریزی یک ائتلاف دموکراتیک، لائیک و آزادی‌خواه را افزون‌تر کنند.

خیزش مردمی علیه جمهوری اسلامی نشانه‌ی آن است که بیش از پیش بخش‌های هر چه گسترده‌تری از مردمان ایران، از جوانان، زنان، زحمتکشان، ملیت‌ها و دیگر اقشار تحت ستم سرمایه‌داری دینی، در شهرهای کوچک و بزرگ و در شهرستان‌های مختلف کشور خواهان برچیده شدن نظام جمهوری اسلامی در تمامیت‌اش می‌شوند. آن‌ها به کوچه و خیابان می‌ریزند و هراسی به دل راه نمی‌دهند. آن‌ها توهمی نسبت به بهبود شرایط در چارچوب نظام اسلامی و یا تحول آن از طریق اصلاحات ندارند. بدین سان، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به‌دستان توانای خود مردم تحت ستم، از طریق جنبش‌های آگاه و سازمان‌یافته‌شان، دیگر نه تنها آرزویی دور نیست، بلکه به امر ممکن و کنون تبدیل می‌شود.

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب کومه له کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

کومه له زحمتکشان کردستان

14 دی ۱۳۹۶ - 4 ژانویه ۲۰۲۰